

حضرت مهدی (عج)

در سماوی انبیاء

حسن یوسف، اید موسی، دم عیسی داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

مؤلف:

غلامرضا حاتمی




حضرت مهدی (عج)

در سیمای انبیاء

حسن یوسف، اید موسی، دم عیسی واری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها واری



سرشناسه	حاتمی، غلامرضا، ۱۳۱۶ .
عنوان و نام پدیدآور	حضرت مهدی (عج) در سیمای انبیاء / مولف غلامرضا حاتمی.
مشخصات نشر	مشهد: الماس شرق ، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری	۴۰ ص.؛
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۳۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
موضوع	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
رده بندی کنگره	BP ۵۱ / ح ۱۶ ح ۶ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی	۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۰۵۶۰۲

حضرت مهدی (عج) در سیمای انبیاء

مؤلف	:	غلامرضا حاتمی
تلفن های مؤلف	:	۰۹۱۵۳۰۳۲۲۳۶-۲۲۲۱۱۵۵
عنوان	:	حضرت مهدی (عج) در سیمای انبیاء
طراح جلد	:	نصیبه سجادی
نوبت چاپ	:	اول / ۱۳۸۹
شمارگان	:	۳۰۰۰ جلد
چاپخانه	:	مؤسسه چاپ و نشر استان قدس رضوی
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۵۳۲۹-۳۳-۹
ناشر	:	الماس شرق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي فاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ أَسْرِّ
المُسْتَوْدِعِ فِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ



اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَي
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ
قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.



بزرگانی از علمای شیعه توصیه کرده‌اند که برای سلامت
و فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه
حداقل روزی صد مرتبه ذکر شریف:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلِ فَرَجَهُمْ»

را قرائت نمایند

احادیث وارده درباره حضرت ولی عصر (عج ...):

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر این که خداوند تبارک و تعالی مثل آن را به دست قائم (علیه السلام) ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند.^۱

و نیز فاضل علامه مجلسی در بحار حدیثی از مفضل بن عمر از امام ابو عبدالله صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: و در آن هنگام آقای ما قائم (علیه السلام) به خانه خدا به پشت خود تکیه زده می گوید: ای مردم! هر آن که می خواهد آدم و شیث را ببیند، بداند که من آدم و شیث هستم، و هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من همان نوح و سامم. و هر شخصی که مایل است ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می باشم. و هر که می خواهد موسی و یوشع را ببیند، من همان موسی و یوشع هستم. و هر کس می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، من همان عیسی و شمعون هستم. و هر کس می خواهد محمد و امیر المؤمنین علی (علیهم السلام) را ببیند، بداند که من همان محمد و علی (علیهم السلام) هستم. و هر که می خواهد امامان از ذریه حسین (علیه السلام) را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار (علیهم السلام) هستم. دعوتم را بپذیرید و به نزد جمع شوید که هر چه گفته اند و هر چه نگفته اند را به شما خبر می دهم.^۲

لذا این حدیث دلالت دارد بر این که تمام صفات انبیای عظام و مکارم ائمه اطهار (علیهم السلام) در وجود امام زمان ما - ارواحنا فداه - جمع است و از آن حضرت آشکار می گردد.

همچنین شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سند خود از ابوبصیر روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبدالله صادق (علیه السلام) می فرمود: سنت های پیغمبران (علیهم السلام) و آنچه از غیبت ها برایشان واقع شد، در قائم ما اهل بیت نیز به طور کامل و صددرصد واقع خواهد شد. ابوبصیر گوید: عرض کردم: یا بن رسول الله! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: ای ابوبصیر! او پنجمین

۱- اثبات الهداة: ۲۵۷/۷.

۲- بحار الانوار: ۹/۵۲.

از نسل فرزندان موسی است، او فرزند بهترین کنیزان است، غیبتی خواهد داشت که در آن باطل کیشان به تردید می افتند، سپس خداوند - عزوجل - او را آشکار می کند و بر دست او شرق و غرب زمین را فتح می نماید و حضرت روح الله، عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سرش نماز می خواند.

حال که سخن به این جا رسید خوب است این مطلب را در سه فصل بیان نمایی. [فصل اول: شباهت آن حضرت به پیغمبران (علیهم السلام)؛ فصل دوم: شباهت آن حضرت به ائمه معصومین (علیهم السلام)؛ فصل سوم: شباهت آن حضرت به امام حسین (علیه السلام)].

فصل اول: شباهت آن حضرت (علیه السلام) به پیغمبران (علیهم السلام):

شباهت به آدم (علیه السلام): خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و چنین فرمود: (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) ^۱؛ همانا من در زمین جانشینی قرار می دهم. و خداوند حضرت حجت (علیه السلام) را نیز وارث زمین، و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد، چنان که از حضرت ابی عبد الله صادق (علیه السلام) مروی است که در تفسیر آیه: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده که آنان را در زمین خلافت بخشد. فرمود: او قائم و اصحابش می باشند و هنگام ظهورش در مکه در حالی که دست بر صورت می کشد، می گوید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْثَقَنَا الْأَرْضَ...) ^۲؛ سپاس خداوندی که وعده اش را درباره ما راست گردانید و زمین را به میراث ما درآورد.

و در حدیث مفضل آمده که: خروج می کند در حالی که ابری بالای سرش سایه افکنده و در آن منادی ندا می کند: این مهدی خلیفه خدا است، از او پیروی کنید.

۱ - سوره بقره، آیه ۳۰.

۲ - سوره نور، آیه ۵۵.

۳ - سوره زمر، آیه ۷۴.

۴ - تفسیر البرهان: ۱۴۶/۳.

گریه آدم (علیه السلام): از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده که فرموده: آدم (علیه السلام) آن قدر بر فراق بهشت گریست تا این که اشک از دو گونه اش مانند آبراه جاری شد.^۱ از امام صادق (علیه السلام) نیز همین معنی روایت شده است.^۲

حضرت قائم (علیه السلام) نیز -مانند آدم- گریه بسیار دارد، چنان که در زیارت ناحیه از آن حضرت است که - خطاب به جدش حسین (علیه السلام) می‌گوید: شب و روز برایت ندبه می‌کنم و به جای اشک بر تو خون می‌گیرم. دربارهٔ آدم (علیه السلام) آیه نازل شده که: خداوند تمام اسم‌ها را به آدم تعلیم فرمود. و اما قائم - عجل الله فرجه الشریف - خداوند آنچه به آدم آموخت به او نیز آموخته و اضافه بر آن هم مطالب دیگری آموخته است، چه این که آدم بیست و پنج حرف از اسم اعظم را آموخته بود - چنان که در حدیث آمده - و پیغمبر اکرم (صلی الله و علیه و آله) هفتاد و دو حرف از آن را آموخت، و تمام اموری که خداوند متعال به پیامبرش داده، به او صیای آن حضرت نیز داده شده تا به مولای ما حضرت قائم (عجل الله فرجه الشریف).

و در خبر صحیحی ثقه الاسلام کلینی از حضرت امام صادق (علیه السلام) آورده فرمود: آن علمی که بر آدم (علیه السلام) نازل شد دیگر برداشته نشد، و هیچ عالمی نمرده مگر این که علمش را به ارث گذاشته است، زمین بدون عالم باقی نمی‌ماند.^۳

آدم (علیه السلام) زمین را با عبادت خدا زنده کرد، پس از آن که جنیان با کفر و طغیانشان آن را میرانده بودند. قائم (علیه السلام) نیز زمین را با دین خدا و عبادت و عدالت و برپایی حدودش زنده خواهد کرد، بعد از مردن آن به کفر و معصیت اهل زمین.

در بحار از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) دربارهٔ آیه: (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)؛ زمین را پس از مرگ آن زنده می‌سازد.

۱ - بحار الانوار: ۲۰۴/۱۱.

۲ - بحار الانوار: ۲۲۰/۱۰۱.

۳ - کافی: ۲۲۳/۱.

۴ - سوره روم، آیه ۱۹.

آمده که فرمود: خداوند (عزوجل) به وسیله قائم (علیه السلام) زمین را بعد از مرگش زنده گرداند و منظور از مرگ آن، کفر اهل آن می باشد که کافر در حقیقت مرده است.^۱

و در وسائل درباره آیه: (يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا) آمده که حضرت ابوابراهیم موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: به وسیله باران احیا نمی کند، بلکه خداوند مردانی برانگیزد که عدالت را زنده می کنند، و زمین به خاطر احیای عدالت، زنده می شود، و به درستی که اگر یک حد در زمین برپا شود، سودمندتر از چهل روز باران است.^۲

و در همان کتاب از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منقول است که فرمود: یک ساعت امام عادل بهتر است از عبادت هفتاد سال، و یک حد که برای خدا در زمین برپا شود سودمندتر است از چهل روز باران. با این همه تاکی و تا چند، آدم و قائم را با هم مقایسه کنم در حالی که آدم به خاطر قائم خلق شد.

*** شباهت به هابیل (علیه السلام):** نزدیک ترین و خویشاوندترین افراد، هابیل را کشت - یعنی برادرش قابیل - خداوند متعال در کتاب عزیز خود می فرماید: (وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ^۳؛ و بر آنان، داستان دو پسر آدم را به حق تلاوت کن، که چون قربانی ای تقدیم داشتند، از یکی از آنان پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، [قابیل به هابیل] گفت: تو را خواهم کشت. گفت: خداوند تنها از تقوی پیشگان می پذیرد.

همچنین نزدیک ترین و خویشاوندترین افراد، قصد کشتن امام قائم - روحی و ارواح العالمین فداه - را نمود و او عموی آن حضرت، جعفر کذاب بود، که از امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است فرمود: گویا جعفر کذاب را می بینم که سرکش زمانش را بر تفتیش امر ولی خدا و آن که در غیب الهی محفوظ و بر حرم پدرش موکل است وادار کند، به خاطر جهل او به ولادتش و حرص بر

۱ - بحار الانوار: ۵۴/۵۱.

۲ - وسائل الشیعه: ۳۰۸/۱۸.

۳ - سوره مائده، آیه ۲۷.

حضرت مهدی (عج) در سیمای انبیاء ۸

کشتنش - اگر بر او دست یابد از روی طمع در میراث پدرش تا آن را به ناحق بگیرد.^۱

*** شباهت به شیث (علیه السلام) :** هبة الله شیث ، اجازه نیافت که علم خودش را آشکار کند، چنان که در روضه کافی روایت شده حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) در خبری طولانی چنین فرمود: وقتی هبة الله، پدرش آدم را دفن کرد، قابیل به نزدش آمد و گفت: ای هبة الله من دیدم که پدرم آدم تو را از علم آن قدر عطا کرد که به من عطا نکرد، و آن همان علمی است که برادرت هابیل به آن دعا کرد و قربانی اش قبول شد، و بدین جهت او را کشتم که فرزندی نداشته باشد تا بر فرزندان من افتخار کنند و بگویند ما فرزندان کسی هستیم که قربانی اش قبول شد و شما فرزند کسی هستید که قربانی او قبول نشد. و تو اگر علمی را که پدرم به تو اختصاص داده آشکار کنی تو را هم می کشم همان طور که برادرم هابیل را کشتم. پس هبة الله و فرزندان او مخفی می کردند آنچه از علم و ایمان نزد آن ها بود ...^۲

حضرت قائم (علیه السلام) نیز اجازه نیافته که علم خود را آشکار کند تا روز وقت معین؛ چنان که درباره حضرتش روایت شده: هنگام ولادت، بر زانو قرار گرفت و دو انگشت سبّابه اش را به سوی آسمان بلند کرد، و عطسه ای زد و گفت: « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ »؛ ستمگران پنداشته اند که حجّت الهی باطل و نابود است، و حال آن که اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود شک از بین می رود.^۳

*** شباهت به نوح (علیه السلام) :** نوح، شیخ الانبیا است. از امام صادق و امام هادی (علیه السلام) روایت است که حضرت نوح (علیه السلام) دو هزار و پانصد سال عمر کرد. و حضرت قائم (علیه السلام) شیخ الاوصیا است؛ (بنا به روایت کافی)، در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری متولد شد.^۴ پس عمر

۱ - کمال الدین : ۳۲۰/۱ .

۲ - روضه کافی : ۱۱۴ .

۳ - کمال الدین : ۴۳۰/۲ .

۴ - اصول کافی : ۵۱۴/۱ .

آن حضرت تاکنون - روز یکشنبه دهم ذی القعدة الحرام سال هزار و سیصد و سی و یک هجری - هزار و هشتاد و پنج سال می شود.

و از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت است که فرمود: در قائم، روشی از آدم و نوح است و آن طول عمر می باشد.^۱

نوح (علیه السلام) زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و گفت: پروردگارا! بر روی زمین دیاری بشری از کافران برجای مگذار.^۲ قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز زمین را با شمشیر از لوٹ وجود کافرین پاک می گرداند تا جایی که هیچ اثری از آن ها باقی نماند - چنان که گذشت.

نوح (علیه السلام) نهصد و پنجاه سال صبر کرد، چنان که خداوند می فرماید: (فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ)؛^۳ پس در میان آنان هزار سال منهای پنجاه سال به سر برد، آن گاه طوفان آنان را فرو گرفت، در حالی که ایشان ستمکار بودند. قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز از اول امامتش تاکنون صبر کرده، و نمی داند تا کی صبر خواهد کرد.

هر که از نوح (علیه السلام) تخلف جست هلاک شد. هر که از قائم - عجل الله فرجه الشریف - تخلف جوید نیز هلاک می شود - چنان که در حدیث آمده.^۴

فرج نوح (علیه السلام) و اصحابش را خداوند آن قدر به تأخیر انداخت تا این که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او برگشتند. فرج قائم - عجل الله فرجه الشریف - را نیز خداوند آن قدر به تأخیر می اندازد که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او بر می گرداند - چنان که در حدیثی از امام عسکری (علیه السلام) آمده است.^۵

۱ - کمال الدین : ۲۲۲/۱ .

۲ - سوره نوح ، آیه ۲۶ .

۳ - سوره عنکبوت ، آیه ۱۴ .

۴ - در بحار الانوار از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مروی است که فرمود: قیامت برپا نخواهد شد مگر اینکه قائم از ما بپاخیزد، و آن هنگام است که خداوند به او اجازه دهد، هر کس از او پیروی کند نجات یابد و هر آن که از او تخلف جوید هلاک گردد. ای بندگان خدا! خدا را خدا را! که به سوی او بیایید هر چند بر روی برف و یخبندان باشد که او خلیفه خدا و خلیفه من است. (مؤلف)

۵ - کمال الدین : ۳۸۵/۲ .

ادریس (علیه السلام) به ظهور نوح (علیه السلام) بشارت داد، و به ظهور قائم (عجل الله فرجه الشریف) خداوند تعالی فرشتگان را بشارت داد و پیغمبر و امامان (علیهم السلام) بلکه پیغمبران گذشته ظهورش را بشارت دادند.

نداهاى نوح (علیه السلام) به شرق و غرب عالم می رسید و این یکی از معجزات آن حضرت (علیه السلام) بود چنان که در کتاب زبده التصانیف آمده - قائم (علیه السلام) نیز هنگام ظهور، بین رکن و مقام می ایستد و فریادی بر می آورد و می گوید: ای نقبا و سرداران من؛ و ای خواص من؛ و ای کسانی که خداوند پیش از ظهور، آنان را بر روی زمین برای یاری من ذخیره کرده! با خواست و رغبت به سوی من آیید. پس صدای آن حضرت (علیه السلام) به آن ها می رسد در حالی که در محراب ها و بر فرش ها و رختخواب هایشان باشند و با یک فریاد، همه صدای او را می شنوند و هر یک از آن ها به گوشش می رسد، و به سوی آن صدا اجابت می کنند، و یک چشم برهم زدن نمی گذرد که همگی آن ها بین رکن و مقام قرار می گیرند، چنان که در حدیث مفضل از امام صادق (علیه السلام) آمده است^۱.

* شباهت به ادریس (علیه السلام): ادریس (علیه السلام) جد پدر نوح (علیه السلام) است که نامش اخنون بوده، خداوند او را به جایگاه بلندی بالا برد؛ گفته می شود: به آسمان چهارم بالا رفت. و گفته می شود که به آسمان ششم برده شد.

در مجمع البیان از مجاهد نقل کرده که گفت: ادریس به آسمان بالا برده شد، همان گونه که عیسی به آسمان برده شد، و او زنده است و نمرده. و دیگران گفته اند: بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح شده است. این معنی از امام باقر (علیه السلام) نیز روایت شده است^۲. قائم (علیه السلام) را نیز خداوند به جایگاه والایی به آسمان برد.

قائم (علیه السلام) را هم روح القدس بر بال خود گرفت و به آسمان ها برد. در حدیثی که در کتاب کمال الدین از حکیمه نقل شده، در باب میلاد حضرت قائم

۱ - بحار الانوار: ۷/۵۳.

۲ - مجمع البیان: ۵۱۹/۶.

(علیه السلام) آمده است: پس امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندش را گرفت، در حالی که کبوترها بالای سرش پرواز می کردند، آن گاه امام به یکی از کبوترها بانگ زد که: او را بردار و حفظ کن و هر چهل روز به ما برگردان. آن کبوتر او را برگرفت و به سوی آسمان پرواز کرد؛ بقیه کبوترها نیز پیروی کردند. آن گاه شنیدم که حضرت ابومحمد (امام عسکری) (علیه السلام) می فرمودند: تو را به کسی می سپارم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد. نرجس گریه کرد، آن حضرت به او فرمود: آرام باشد که شیر جز از پستان های تو بر او حرام است و به زودی به تو باز خواهد گشت، چنان که موسی به مادرش باز گردانده شد. خدای -عزوجل- می فرماید: (فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ)؛ سرانجام ما او را به مادرش باز گردانیم تا دیده اش روشنی یابد، و غمگین نشود.

حکیمه گوید: عرض کردم: این پرنده چیست؟ فرمود: این روح القدس است که موکل به امامان است. آن ها را تسدید و توفیق می دهد و به علم تربیت می کند.

ادریس (علیه السلام) از قومش غایب شد، هنگامی که می خواستند او را بکشند - چنان که در حدیثی از حضرت باقر (علیه السلام) آمده است. قائم (علیه السلام) نیز همین طور، هنگامی که دشمنان می خواستند آن حضرت را بکشند، غایب شد.

غیبت ادریس (علیه السلام) به طول انجامید به حدی که شیعیان و پیروان او در سختی و شدت و فشار واقع شدند. قائم -عجل الله فرجه الشریف- نیز غیبتش طولانی است تا جایی که شیعیانش به منتهای سختی و فشار و مشقت واقع شوند. در بحار از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: پیوسته وضع شما چنین خواهد بود تا این که در میان فتنه و جور، کسی متولد شود که مردم او را شناسند. آن گاه زمین به حدی از ظلم و ستم پر شود که هیچ کس نتواند «الله بگوید» [و نام حق ببرد] سپس خداوند -عزوجل- مردی از

۱ - سوره قصص، آیه ۱۳.

۲ - کمال الدین: ۴۲۸/۲.

من و از عترت من برانگیزد که او زمین را پر از عدل سازد، هم چنان که قبل از او آن را پر از ظلم و ستم کرده باشند.^۱
و از امیر المؤمنین (علیه السلام) مروی است که فرمود: البته زمین پر از ظلم و جور می شود، تا جایی که کسی - جز مخفیانه - الله نکوید. سپس خداوند قومی صالح را می آورد که آن را پر از قسط و عدل نمایند، چنان که از ظلم و جور پر شده است.

وقتی غیبت ادریس (علیه السلام) به طول انجامید، مردم بر توبه اتفاق کردند و به سوی خدا بازگشتند؛ خداوند متعال هم او را ظاهر ساخت و شدت و بدی را از آنان دور کرد. قائم (عجل الله فرجه الشریف) نیز همین طور است که اگر مردم بر توبه اتفاق کنند و تصمیم قطعی بر یاری اش داشته باشند، خدای تعالی او را ظاهر خواهد ساخت.

هنگامی که ادریس (علیه السلام) ظهور کرد، پادشاه ستمگر و مردم برای او تسلیم شدند. قائم (عجل الله فرجه الشریف) نیز چنین است؛ هر گاه ظاهر شود، پادشاهان و امرای جبار و مردم عالم به آن حضرت می گروند و سرفرود می آورند.

*** شباهت به هود (علیه السلام):** نام هود (علیه السلام) عابر است، و نوح (علیه السلام) ظهورش را بشارت داد. در کتاب کمال الدین از امام صادق (علیه السلام) آمده که فرمود: هنگامی که وفات نوح نزدیک شد، شیعیان و پیروان خود را فراخواند و گفت: بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که طاغوت ها ظاهر می شوند، و البته خداوند - عزوجل - به وسیله قیام کننده ای از فرزندانم که هود نامیده می شود بر شما گشایشی می رساند. او هیبت و سکینه و وقار دارد، در خلقت و اخلاق شبیه من است، و خداوند هنگام ظهور او دشمنان شما را به وسیله باد هلاک می کند. پس پیوسته منتظر و مراقب ظهور و قیام هود بودند، تا این که مدت بر آن ها طولانی شد و دل بیشترشان را قساوت گرفت. سپس خداوند متعال پیغمبرش، هود را فرستاد، بعد از آن که نومید شده بودند و بلا و گرفتاری وجودشان را پر کرده بود، و دشمنان به وسیله باد هلاک شدند، بادی

که خداوند متعال آن را در قرآن چنین توصیف کرده است: (مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرَّمِيمِ)^۱؛ بر هیچ چیزی نگذشت مگر این که آن را همچون استخوان خاک شده ساخت. آن گاه غیبت بر او واقع شد تا این که هود (علیه السلام) ظاهر گشت.^۲ قائم (علیه السلام) را نیز با تمام خصوصیات پدران بزرگوارش مژده داده اند، و غیبت و ظهورش را بیان فرموده اند، که پاره ای از آن ها گذشت.

هود (علیه السلام) خداند (عزوجل) کافرین را به وسیله او هلاک کرد، و باد عظیم را بر آن ها فرستاد، چنان که خداوند می فرماید: (إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ . مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرَّمِيمِ)^۳؛ بر آنان تند بادی بی باران فرستادیم که بر هیچ نگذشت مگر این که آن را همچون استخوان خاک شده ساخت. قائم (علیه السلام) نیز چنان است که خداوند متعال به وجود او جمعی از کافرین را به وسیله باد سیاهی نابود می کند. چنان که در روایت مفضل گذشت، و در بحث ندهای آن حضرت ان شاء الله خواهد آمد.

***شبهت به صالح (علیه السلام):** صالح (علیه السلام) از قومش غایب شد و پس از آن که به سوی آن ها بازگشت، عده کثیری او را انکار کردند، چنان که در کمال الدین از امام ابو عبدالله صادق (علیه السلام) مروی است فرمود: صالح مدتی از قومش غایب شد، روزی که از آنان غیبت یافت، میانسال و خوش هیكل و خوش اندام بود، ریش انبوه و شکم خفته ای داشت، گونه هایش سبک و در میان مردمان میان بالا بود. هنگامی که به قومش بازگشت او را به صورتش نشناختند، و آن ها را بر سه طایفه دید: یک طایفه منکر و کافر، و طایفه دیگر اهل شک و تردید بودند، و طایفه سوم یقین و ایمان داشتند. اول، آن طایفه که اهل اشک و تردید بودند را دعوت کرد، و به آنان گفت: من صالح هستم. آن ها او را تکذیب کردند، و دشنام دادند و راندند، و گفتند: خداوند از تو بیزار است، صالح به صورت تو نبود. سپس نزد منکرین و کافرین آمد، و آن ها را دعوت

۱ - سوره زاریات، آیه ۴۱.

۲ - کمال الدین : ۱/۱۴۵.

۳ - سوره زاریات، آیه ۴۱ و ۴۲.

فرمود، ولی از او نپذیرفتند و به بدترین وجهی از او رمیدند. آن گاه نزد طایفه سوم آمد و گفت: من صالح هستم. گفتند: نشانه ای بگو که بدانیم تو صالح هستی، چون ما تردید نداریم که خداوند تعالی آفریدگار است، هر کس را به هر شکل که بخواهد در می آورد، ما در میان خودمان نشانه های قائم را به یکدیگر اطلاع داده و بررسی کرده ایم تا این که هر گاه بیایید برای ما معلوم باشد و صحت آن به وسیله یک خبر آسمانی بر ما محقق گردد. صالح (علیه السلام) فرمود: من همان صالح هستم که شتر را برای شما برآوردم.

گفتند: راست می گویی؛ همین مطلب را ما با هم بررسی می کردیم. نشانه های آن چیست؟

فرمود: یک روز او آب می آشامید و روز دیگر شما. گفتند: ما به خداوند و آنچه تو از جانب او آورده ای ایمان داریم. این جا است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (إِنَّ صَالِحًا مُرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ) ^۱، همانا صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده است. و اهل یقین و ایمان گفتند: (إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ) ^۲؛ ما به آنچه او فرستاده شده ایمان داریم. و کسانی که تکبر کردند - شک کنندگان - گفتند: (إِنَّا بِالذِّی آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ) ^۳؛ ما به آنچه شما ایمان آورده اید، کفر ورزیده ایم.

راوی گوید: آیا آن زمان، میان آن ها عالمی هم بود که به صالح آگاه باشد؟ فرمود: خداوند عادل تر از آن است که زمین را بدون عالمی بگذارد که مردم را به سوی خداوند رهبری کند، آن مردم تنها هفت روز پس از خروج صالح از میان آن ها، در حال حیرت که امامی را نمی شناختند به سر بردند، که در همان حال هم دین خدای (عزوجل) را در اختیار داشتند، و با هم متحد بودند، و چون صالح (علیه السلام) ظاهر شد، پیرامونش جمع شدند، و همانا مثل قائم (علیه السلام) نیز مثل صالح است ^۴.

۱- سوره اعراف، آیه ۷۵.

۲- سوره اعراف، آیه ۷۵.

۳- سوره اعراف، آیه ۷۶.

۴- کمال الدین: ۱/۱۳۶.

آری، قائم (علیه السلام) هم مانند صالح (علیه السلام) خواهد بود. آنچه بر صالح جاری شده بی کم و کاست بر او جاری می شود. با آن که در سن پیری و پس از عمری طولانی ظهور می کند، به صورت جوانی کم تر از چهل سال است. مردم نیز بر سه دسته خواهند بود: اهل یقین؛ شک؛ و انکار. اهل شک و انکار را دعوت می کند، و چون منکر شوند و نفی کنند، آن ها را می کشد. و اهل یقین از او نشانه می خواهند که به آن ها ارائه می دهد، پس با او بیعت می کنند.

*** شباهت به ابراهیم (علیه السلام):** ابراهیم (علیه السلام) دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود. قائم (علیه السلام) نیز حمل و ولادتش مخفی بود. ابراهیم (علیه السلام) در یک روز به قدری رشد می کرد که دیگران در یک هفته رشد می کنند، و در یک هفته آن قدر رشد داشت که دیگران در یک ماه رشد می نمایند، و در یک ماه به مقداری که دیگران در یک سال رشد دارند. چنان که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است^۱. قائم (علیه السلام) نیز چنین بود، چنان که در خبر حکیمه آمده: پس از گذشت چهل روز به خانه حضرت ابومحمد (امام عسکری علیها السلام) وارد شدم که ناگاه مولایم صاحب الزمان را دیدم که در خانه راه می رود، از او زیباروی تر و فصیح تر ندیدم. حضرت ابومحمد (علیه السلام) به من فرمود: این است مولد گرامی نزد خداوند - عزوجل - . عرض کردم: ای آقای من چهل روزه است و من این وضع را در او می بینم؟ فرمود: ای عمه من! مگر ندانستی که ما گروه اوصیا در یک روز به مقدار یک هفته دیگران و در یک هفته به مقدار یک ماه دیگران و در یک ماه به مقدار یک سال دیگران رشد می کنیم^۲.

ابراهیم (علیه السلام) از مردم عزت گزید، خداوند - عزوجل - به نقل از او فرموده: (وَ اَعْتَزَلَكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ)^۳؛ و از شما و آنچه غیر خداوند می پرستید، کناره می گیرم. قائم (علیه السلام) نیز از مردم اعتزال جسته است.

۱ - بحار الانوار: ۱۹/۱۲ .

۲ - بحار الانوار: ۲۷/۸۱ .

۳ - سوره مریم، آیه ۴۸ .

ابراهیم (علیه السلام) دو غیبت داشته است. قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز دو غیبت دارد.

ابراهیم (علیه السلام) هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرئیل برایش جامه ای از بهشت آورد. قائم - عجل الله فرجه الشریف - نیز همان جامه را هنگامی که قیام کند خواهد پوشید. در کتاب کمال الدین از مفضل از امام صادق (علیه السلام) آمده که فرمود: آیا می دانی جامه یوسف چه بود؟ گفتم: نه فرمود: وقتی برای ابراهیم (علیه السلام) آتش افروختند، جبرئیل (علیه السلام) یکی از جامه های بهشتی را آورد و بر او پوشانید، پس با آن جامه گرمی و سردی به او اثر نمی کرد. و چون هنگام وفاتش رسید، آن را در بازوبندی قرار داد و بر اسحاق آویخت، و اسحاق هم بعداً آن را بر یعقوب آویخت، و هنگامی که یوسف متولد شد یعقوب آن را بر او آویخت، و این در بازوی او بود تا بر او گذشت آنچه گذشت، و هنگامی که یوسف (علیه السلام) آن پیراهن را از بازوبند بیرون ساخت، یعقوب بوی آن را شنید، همین است که خداوند به حکایت از او فرموده: (إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُقَنَّوْنَ)؛ همانا من بوی یوسف را می شنوم اگر مرا به کم عقلی نسبت ندهید. این همان پیراهنی است که از بهشت نازل شده بود. عرض کردم: فدایت شوم! این پیراهن به که می رسد؟ فرمود: به اهل آن و پیراهن همراه قائم ماست هنگامی که خروج نماید. سپس فرمود: هر پیغمبری که علمی یا چیزی را وارث بود، به محمد (صلی الله علیه و اله) رسیده است.^۱

ابراهیم (علیه السلام) خانه کعبه را بنا نمود و حجر الاسود را در جایش نصب کرد. خداوند - عزوجل - می فرماید: (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)^۲؛ و [به یاد آور] هنگامی که ابراهیم و نیز اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا بردند و گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر که همانا تو شنوای دانا هستی. و در تفسیر برهان و غیر آن، از عقبه بن بشیر، از یکی از دو امام (باقر و صادق (علیهم السلام)) روایت است که

۱ - سوره یوسف، آیه ۹۴.

۲ - کمال الدین: ۱/۱۴۲.

۳ - سوره بقره، آیه ۱۲۷.

فرمود: خداوند - عزوجل - به ابراهیم دستور داد که خانه کعبه را بسازد و پایه های آن را بنا نماید، و به مردم محل عبادت و مناسکشان را ارائه دهد. پس ابراهیم و اسماعیل خانه کعبه را هر روز به مقدار یک ساق می ساختند تا به جایگاه حجر الاسود رسیدند. حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: پس در این جا کوه ابوقبیس او را ندا کرد که تو نزد من امانتی داری، آن گاه حجر الاسود را به ابراهیم داد و آن حضرت سنگ را در جای خودش نصب کرد.^۱

قائم (علیه السلام) نیز مانند آن را دارد. در بحار از حضرت ابو عبدالله صادق (علیه السلام) مروی است که فرمود: هر گاه قائم (علیه السلام) بپاخیزد، مسجد الحرام را منهدم می کند تا به اساس آن برساند و مقام ابراهیم را به جایی که در آن بوده باز می گرداند^۲ ...

و در خرائج، از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه مروی است که گفت: در سال سیصد و سی و هفت به قصد تشرّف به حج به بغداد رسیدم، آن سال بنا بود قرامطه حجر الاسود را به جایگاهش بازگردانند، و بیشترین کوشش من برای آن بود که به کسی که حجر الاسود را در جای خودش نصب می کند دست یابم، زیرا که در کتاب ها خوانده بودم که آن را جز حجّت زمان کسی نمی تواند به جای خود نصب نماید - چنان که در زمان حجاج امام زین العابدین (علیه السلام) آن را در جای خود قرار داد - ولی به بیماری شدیدی دچار شدم که از آن بر خود ترسیدم، و با آن حال نتوانستم به سفر خود ادامه دهم، و می دانستم که ابن هشام به مکه سفر می کند، لذا نامه ای نوشتم و مهر کرده، به او سپردم. در آن نامه از مدت عمرم پرسیده بودم که آیا مرگ من در این بیماری است یا نه؟ و به ابن هشام گفتم: سعی من بر این است که این نامه به دست کسی که حجر الاسود را به جای خودش نصب می کند برسد، من تو را برای این کار فراخواندم.

ابن هشام گوید: وقتی به مکه رسیدم و موقع جای گذاری حجر الاسود فرا رسید، به خدام حرم پولی دادم که در آن وقت معین بگذارند جایی باشم که ببینم

۱ - البرهان : ۱۵۲/۱ .

۲ - بحار الانوار : ۶۳۸/۵۲ .

نصب کننده آن کیست، و آن ها را با خود همراه کردم تا ازدحام جمعیت را از من دور سازند، دیدم هر کس خواست حجر را در جایش نصب کند نمی توانست و حجر الاسود قرار نمی یافت و می افتاد.

پس جوانی گندمگون و خوش صورت آمد، آن را گرفت و در جایش قرار داد، آن چنان بند شد که انگار اصلاً از آن جا کنده نشده بود. فریادهای مردم به خاطر آن بلند شد و آن جوان رفت که از در خارج شود، من از جای خود برخاستم به دنبالش رفتم، مردم را از راست و چپ کنار می زدم که خیال کردند دیوانه ام. مردم برای او راه می گشودند و من چشم از او نمی گرفتم تا از مردم جدا شد. من به سرعت می رفتم و او با متانت و آرامش می رفت، و چون به جایی رسید که غیر از من کسی او را نمی دید، به سمت من برگشت و فرمود: آنچه با خود داری پیش آور. من نامه را تقدیم کردم، بدون این که به آن نگاهی کند فرمود: به او بگو که از این بیماری ترسی بر تو نیست و مرگی که ناچار از آن است پس از سی سال می رسد. اشک در چشمم حلقه زد، و نتوانستم از جا حرکت کنم، مرا به حال خود گذاشت و رفت.

ابوالقاسم می گوید: این جریان را ابن هشام برایم گفت.

راوی می افزاید: پس از سی سال از آن ماجرا ابوالقاسم بیمار شد، به امور خود رسیدگی کرد، وصیت نامه اش را نوشت، و جدیت عجیبی در این کار داشت. به او گفتند: این ترس چیست؟ امیدواریم خداوند به سلامت تو منت بگذارد؟ جواب داد: این همان سالی است که هشدار داده شدم و در همان بیماری درگذشت. خداوند رحمتش کند.

ابراهیم (علیه السلام) را خداوند از آتش نجات داد، خدای - عزوجل - در کتاب خود می فرماید: (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ)؛ ای آتش بر ابراهیم! سرد و سلامت باش. قائم (علیه السلام) نیز به همین ترتیب خواهد شد، چنان که در بعضی از کتاب ها از محمد بن زید کوفی از امام صادق (علیه السلام) منقول است فرمود: هنگامی که قائم (علیه السلام) خروج می کند، شخصی از اصفهان نزد آن حضرت می آید، و معجزه حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) را تقاضا می کند، پس آن جناب دستور می دهد که آتش عظیمی برافروزند و این آیه را می خواند: (فَسُبْحَانَ الَّذِيْ بِيْدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّ اِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ). پس منزّه است خداوندی که مالکیت و زمام همه چیز در دست اوست؛ و به سوی او بازگردانده می شوید. سپس داخل آتش می شود و آن گاه به سلامت از آن بیرون می آید. آن مرد ملعون این معجزه را انکار می کند و می گوید: این سحر است. پس آن حضرت (علیه السلام) به آتش دستور می دهد، مرد را می گیرد و می سوزاند، و می فرماید: این سزای کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمن را انکار نماید.

ابراهیم (علیه السلام) مردم را به سوی خداوند فرا خواند. خداوند فرماید: (وَ أُنْزِلَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ)؛ و در مردم به حج اعلام و دعوت عمومی کن. و در برهان از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) است که فرمود: ابراهیم در میان مردم به حج بانگ زد و گفت: ای مردم! من ابراهیم خلیل الله هستم، خداوند شما را امر فرمود که حج این خانه را بجای آورید، پس شما حج را انجام دهید. و هر کس به حج می رود- تا روز قیامت- ابراهیم را اجابت کرده است.^۱ قائم (علیه السلام) نیز مردم را به سوی خدا دعوت می کند.

* **شبهت به اسماعیل (علیه السلام):** اسماعیل (علیه السلام)، خداوند به ولادت او بشارت داد، چنان که فرمود: (فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ)^۲؛ پس او را به پسر بردباری مژده دادیم. خداوند به ولادت و قیام قائم (علیه السلام) نیز بشارت داده است، همچنین پیغمبر و ائمه معصومین (علیه السلام) بشارت داده اند، و نیز بر این معنی دلالت می کند آنچه در کتاب های تبصرة الولی و بحار از اسماعیل بن علی نوبختی (رحمة الله) آمده که گفت: روزی در مرض فوت امام حسن عسکری (علیه السلام) در خدمتش بودم. و امام حسن عسکری (علیه السلام) او را بزرگ کرده بود- فرمود: ای عقید! قدری آب مصطکی برای من بجوشان. عقید اطاعت کرد و پس از فراهم شدن آب مصطکی، صیقل، مادر امام زمان- عجل الله فرجه الشریف- آن را به خدمت آن حضرت آورد.

۱- البرهان: ۱/۱۵۴؛ و کافی: ۴/۲۰۵.

۲- سوره صافات، آیه ۱۰۱.

حضرت ظرف را گرفت و خواست بیاشامد، ولی دست مبارکش لرزید و به دندان نازنینش خورد، آن گاه آن را زمین نهاد و به عقید فرمود: داخل اتاق شو، خواهی دید کودکی در سجده است، او را نزد من بیاور.

ابوسهل [نوبختی] گوید: عقید گفت: هنگامی که برای آوردن آن کودک به اندرون اتاق رفتم، دیدم کودکی در حال سجده است و انگشت سبابة خود را به سوی آسمان گرفته است. من سلام کردم، او نمازش را کوتاه کرد. عرض کردم: آقا شما را می طلبد که به خدمتش درآیی. در این موقع مادرش صیقل آمد، دستش را گرفت و او را نزد پدرش آورد.

ابوسهل گوید: موقعی که خدمت آن حضرت رسید، سلام کرد، دیدم رنگش بسان در سفید، موهای سرش کوتاه و میان دندان هایش گشاده بود. چون چشم امام حسن عسکری (علیه السلام) بر او افتاد گریه کرد و گفت: ای آقای خاندانم، این آب را به من بده که به سوی پروردگارم می روم. آقازاده اطاعت کرد و ظرف آب مصطکی را برداشت و به دهان پدرش نزدیک برد تا آن را نوشید. سپس امام عسکری (علیه السلام) فرمود: مرا برای نماز آماده سازید. آن کودک حوله ای در دامان امام گسترده، پس آن کودک پدر را وضو داد و آن حضرت سر و دو پایش را مسح کشید، آن گاه فرمود: ای فرزند! به تو مژده می دهم که صاحب الزمان و حجّت خدا در روی زمین تویی، تو فرزند و جانشین منی، از من متولد شده ای و تو (م ح د) فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشی از نسل پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاتم ائمه طاهرین هستی، و پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) و خاتم ائمه طاهرین هستی، و پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) به تو بشارت داده و نام و کینه تو را گفته. این مطلب را پدرم از پدران طاهرین تو به من خبر داده است، درود خداوند بر اهل البیت باد، پروردگارمان ستوده با عظمت است. این سخن را فرمود و همان موقع امام حسن بی علی عسکری (علیه السلام) بدرود حیات گفت. صلوات الله علیهم اجمعین!

اسماعیل (علیه السلام) چشمه زمزم از زمین برایش جوشید. قائم (علیه السلام) نیز آب از سنگ سخت برایش خواهد جوشید.

*** شباهت به اسحاق (علیه السلام) :** خداوند تعالی - پس از آن که ساره از بچه دار شدن مأیوس شده بود- ولادت او را بشارت داد. خدای - عزوجل - چنین فرمود: (وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ، قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ)؛ زنش در حالی که ایستاده بود [از خوشحالی] بخندید، پس او را به اسحاق و بعد از او به یعقوب بشارت دادیم. (سارا) گفت: آیا می شود من بزایم در حالی که پیرزنی هستم و این شوهرم پیرمردی است! هان این چیز شگفتی است.
قائم (علیه السلام) : نیز بعد از آن که مردم از ولادت او مأیوس شدند، ولادتش بشارت داده شد.

*** شباهت به لوط (علیه السلام) :** لوط (علیه السلام) فرشتگان برای یاری اش نازل شدند: (قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ)؛ گفتند: ای لوط همانا ما فرستادگان پروردگارت هستیم، هرگز آنان به تو نمی رسند [که آزارت دهند].
قائم (علیه السلام) نیز، فرشتگان برای یاری اش فرود خواهند آمد، و در خبری کنیز حضرت ابومحمد (امام عسکری (علیه السلام)) آمده که : وقتی سید- یعنی حضرت حجّت (علیه السلام) - متولد شد نور درخشنده ای دید که از آن حضرت آشکار شد و تا افق آسمان رفت و پرندگان سفیدی را دید که از آسمان فرود می آیند، بال های خود را بر سر و صورت و بدنش می کشند، سپس پرواز می کنند. وقتی به حضرت ابومحمد (امام عسکری (علیه السلام)) این مطلب را گفتم خندید و فرمود: این ها فرشتگانی هستند، فرود آمده اند تا به این مولود تبرک جویند، و این ها یاران او خواهند بود هنگامی که خروج می کند.
و نیز از شباهت های حضرت قائم (علیه السلام) به لوط این است که لوط (علیه السلام) از بلاد فاسقین بیرون رفت، حضرت قائم (علیه السلام) نیز از بلاد فاسقین بیرون رفته است.

^۱ - سوره هود، آیه ۸۱.

^۲ - کمال الدین : ۴۳۱/۲.

*** شباهت به یعقوب (علیه السلام):** یعقوب (علیه السلام)؛ خداوند- پس از مدتی طولانی- پراکندگی او را جمع فرمود و فراهم آورد. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند پریشانی و پراکندگی او را پس از مدتی درازتر جمع خواهد ساخت. یعقوب (علیه السلام) برای یوسف آن قدر گریست که چشمانش از اندوه سفید شد در حالی که خشم خود را فرو می برد.^۱ قائم (علیه السلام) نیز برای جدش حسین (علیه السلام) گریسته [و می گرید] و در زیارت ناحیه فرموده است: « وَ لَأُبَكِّينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا »؛ به جای اشک بر تو خون می گریم.^۲ یعقوب (علیه السلام) منتظر فرج بود و می گفت: (لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ)^۳؛ از رحمت خداوند ناامید نشوید که همانا کسی، جز گروه کافران از رحمت خداوند مأیوس نشود. قائم (علیه السلام) نیز منتظر فرج است؛ چنان که روایات شاهد بر این معنی است.

*** شباهت به یوسف (علیه السلام):** یوسف (علیه السلام) زیباترین اهل زمان خود بود. قائم (علیه السلام) نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد. یوسف (علیه السلام) مدتی طولانی غایب شد تا این که برادران بر او داخل شدند پس آنان را شناخت در حالی که آن ها او را نشناختند.^۴ قائم (علیه السلام) نیز از خلق غایب شده، در عین حالی که در میان آن ها راه می رود و آنان را می شناسد ولی آن ها او را نمی شناسند. یوسف (علیه السلام)، خداوند امرش را یک شبه اصلاح فرمود، که پادشاه مصر آن خواب را دید. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند متعال امرش را در یک شب اصلاح می فرماید، پس در آن یک شب یاران آن حضرت را از بلاد دور جمع می کند.

۱ - سوره یوسف، آیه ۸۴

۲ - بحار الانوار: ۱۰۱/۳۲۰.

۳ - سوره یوسف، آیه ۸۷

۴ - کمال الدین: ۱/۳۲۹.

*** شباهت به خضر (علیه السلام) :** خضر (علیه السلام) : خداوند عمرش را طولانی نموده، و این موضوع نزد شیعه و سنی مسلم است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد.

نام خضر (علیه السلام) بلیا است و بعضی اسم های دیگری گفته اند. علت این که خضر نامیده شده - چنان که از شیخ صدوق آمده - این است که بر چوب خشکی نمی نشست مگر این که سبز می شد، و نیز گفته شده که هر گاه نماز بگزارد اطرافش سبز می شود^۱ و گفته اند: برای این که او در سرزمین سفیدی بود که به یکباره تکان خورد و از پی او سبز شد.

و در تلفظ خضر سه لهجه هست: ۱- فتح خاء و سکون ضاد (خَضْرُ ۲- کسر خاء و سکون ضاد (خِضْرُ) ۳- فتح خاء و کسر ضاد (خَضِرُ).

در نجم الثاقب روایت کرده که حضرت قائم (علیه السلام) به هر سرزمینی که بگذرد، سبز و پرگیاه می شود و آب از آن جا می جوشد، و چون از آن جا برود آب فرو می رود و زمین به حال خود بر می گردد^۲.

خضر (علیه السلام)؛ خداوند متعال به او قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهد، در می آید؛ چنان که علی بن ابراهیم در تفسیرش از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده^۳ قائم (علیه السلام) را نیز خداوند همین قدرت عنایت فرموده است.

خضر (علیه السلام) مأمور به علم باطن بود، چنان که به موسی (علیه السلام) گفت: (إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا)؛ همانا تو هرگز همراه من صبر نتوانی کرد و چگونه صبر نمایی بر آنچه نسبت به آن علم و احاطه نداری؟ قائم (علیه السلام) نیز، مأمور به علم باطن است.

*** شباهت به الیاس (علیه السلام) :** الیاس (علیه السلام) ، خداوند عمرش را - همچون خضر (علیه السلام) - طولانی ساخت. قائم (علیه السلام) نیز خداوند تعالی عمرش را طولانی نموده است.

۱ - کمال الدین : ۲/ ۳۹۱.

۲ - نجم الثاقب : ۸۴.

۳ - تفسیر القمی : ۴۰۴.

۴ - سوره کهف ، آیه ۶۷.

الیاس (علیه السلام) ، از قومش فرار کرد و از نظرشان غایب شد هنگامی که می خواستند او را بکشند. قائم (علیه السلام) نیز از قوم خود فرار کرد و از دیده مردم غایب شد هنگامی که می خواستند آن حضرت را بکشند.

*** شباهت به ذوالقرنین (علیه السلام) :** ذوالقرنین پیغمبر نبود ولی مردم را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوی و خداترسی می خواند. قائم (علیه السلام) نیز پیغمبر نیست، زیرا که بعد از پیغمبر ما حضرت محمد مصطفی (صلی الله و علیه و آله) دیگر پیغمبری نیست، ولی آن حضرت نیز به سوی خدای تعالی و تقوی و پرهیزکاری دعوت می کند.

ذوالقرنین بر مردم حجّت بود. قائم (علیه السلام) نیز بر همه اهل عالم حجّت است.

*** شباهت به موسی (علیه السلام) :** موسی (علیه السلام) ؛ دوران حملش مخفی بود. قائم (علیه السلام) نیز همین طور، دوران حملش مخفی بود. موسی (علیه السلام) ؛ ولادتش مخفیانه صورت گرفت. قائم (علیه السلام) نیز، ولادتش مخفیانه انجام شد.

موسی (علیه السلام) از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود، غیبت اول از مصر بود و غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت، مدت غیبت نخستین بیست و هشت سال بود، چنان که در روایت شیخ صدوق در کمال الدین به سند خود از عبدالله بن سنان آمده که گفت: شنیدم، حضرت ابی عبدالله صادق (علیه السلام) می فرمود: در قائم (علیه السلام) سنتی از موسی بن عمران هست. عرضه داشتم: سنتی که از موسی بن عمران در او هست چیست ؟ فرمود: مخفی بودن ولادتش و غیبت از قومش. گفتم: موسی بن عمران (علیه السلام) چند وقت از قوم و اهلش غایب بود؟

فرمود: بیست و هشت سال.^۱ و مدت دومین غیبت چهل شب بود، خداوند متعال فرموده: (فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً)^۲ ؛ که میقات (وعده گاه) پروردگارش چهل شب به پایان رسید. قائم (علیه السلام) نیز، دو غیبت داشته یکی از دیگری طولانی تر.

۱- کمال الدین، ۱/ ۳۴۰.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

موسی (علیه السلام)؛ خداوند تعالی با او سخن گفت و چنین فرمود: (إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ)^۱؛ همانا من به وسیله رسالت ها و کلام خودم تو را بر مردم برتری دادم، پس آنچه به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش.

موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - وقتی غایب شد، قومش در منتهای رنج و فشار و مشقت و ذلت واقع شدند، که دشمنانشان پسران آن ها را می کشتند و زنانشان را زنده می گذاشتند. قائم (علیه السلام)، نیز شیعیانش و دوستانش در زمان غیبتش در منتهای سختی و فشار و ذلت می افتند (تا خداوند کسانی را که ایمان آورده اند پاک کند و کافرین را هلاک سازد).^۲

موسی (علیه السلام)؛ خداوند متعال او را عصایی عنایت فرمود، و آن را معجزه آن جناب قرار داد. قائم (علیه السلام)، به همان عصا اختصاص یافته است، چنان که در کمال الدین از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) آمده که فرمود: عصای موسی از آن آدم بود، سپس به شعیب رسید و آن گاه به موسی بن عمران رسید، آن عصا نزد ما است و من آن را پیش تر دیده ام، سبز رنگ است به همان وضعی که از درختش گرفته شده، و اگر استنطاق شود سخن می گوید، برای قائم ما (علیه السلام) آماده شده، به وسیله آن همان کارها را انجام دهد که موسی انجام می داد، و هر چه مامور شود انجام می دهد، و هر کجا افکنده شود با زبان خود نیرنگ های دشمنان را بر می گیرد.^۳

موسی (علیه السلام)؛ خداوند دشمنش - قارون - را به زمین فرو برد، چنان که خداوند - عزوجل - می فرماید: (فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ)^۴؛ پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم. قائم (علیه السلام) خداوند متعال دشمنانش - لشکر سفیانی - را به زمین فرو خواهد برد.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۴۴ .

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۴۱ .

۳- کمال الدین: ۶۷۳/۲ .

۴- سوره قصص، آیه ۸۱ .

موسی (علیه السلام)؛ چون دستش را بر می آورد می درخشید و سفیدی آن بینندگان را خیره می ساخت ...^۱ قائم (علیه السلام) نیز، نورش می درخشد تا جایی که مردم از نور آفتاب و ماه بی نیاز شوند.

موسی (علیه السلام)؛ از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید. قائم (علیه السلام) نیز، در بحار به نقل از نعمانی به سند خود از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) آمده که فرمود: هر گاه قائم (علیه السلام) ظهور نماید با پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و انگشتری سلیمان و سنگ و عصای موسی قیام خواهد کرد، پس دستور می دهد که منادی آن حضرت اعلام کند: هیچ کس از شما آب و غذا و علوفه بر ندارد. اصحاب آن حضرت می گویند: می خواهد ما و چهارپایانمان را از گرسنگی و تشنگی بکشد! پس آن حضرت حرکت می کند، اصحاب هم در خدمتش حرکت می کنند، و اولین منزلی که فرود می آید به سنگ می زند از آن غذا و آب و علوفه بیرون می آید، پس از آن می خورند و می آشامند و چهارپایان را نیز علوفه می دهند تا در پشت کوفه به نجف برسند.^۲

موسی (علیه السلام)؛ خداوند در یک شب امرش را اصلاح فرمود. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند در یک شب امرش را اصلاح خواهد کرد، چنان که در کمال الدین از حضرت امام جواد (علیه السلام) در وصف حضرت قائم (علیه السلام) روایت شده فرمود: و به تحقیق که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد کرد، هم چنان که امر کلیم خود موسی (علیه السلام) را در یک شب اصلاح فرمود که برای برگرفتن آتش برای خانواده اش رفت ولی در حالی که به پیغمبری و رسالت مبعوث شده بود، بازگشت.^۳

موسی (علیه السلام)؛ خداوند متعال به منظور امتحان قومش ظهور آن حضرت را تاخیر انداخت، تا کسانی که گوساله پرستیدند از کسانی که خدای - عزوجل - را پرستیدند، جدا شوند. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند به همین منظور ظهورش را به تاخیر انداخته است، که مطالبی در این باره گذشت.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۰۸ .

۲- بحار الانوار: ۳۵۱/۵۲؛ غیبت نعمانی: ۲۲۸ .

۳- کمال الدین: ۳۷۷/۲ .

* شباهت به هارون (علیه السلام):

هارون (علیه السلام) را خداوند متعال به آسمان بالا برد، سپس بار دیگر به زمین بازگرداند، قائم (علیه السلام) را نیز، خداوند بعد از ولادت به آسمان بالا برد، سپس به سوی زمین بازگرداند - چنان که در شباهت آن حضرت به موسی (علیه السلام) گذشت.

هارون (علیه السلام) از راه دور سخن موسی را می شنید هم چنان که موسی سخن هارون را از دور می شنید، این نکته را صاحب کتاب بدایع الزهور آورده. قائم (علیه السلام) نیز، در روضه کافی از حضرت ابی عبدالله صادق (علیه السلام) آمده که فرمود: هنگامی که قائم ما بپاخیزد خداوند - عزوجل - در گوش ها و چشم های شیعیان ما خواهد افزود به طوری که بین آن ها و حضرت قائم (علیه السلام) پیکی نخواهد بود، با آن ها سخن می گوید و آن ها می شنوند، و به او نگاه می کنند در حالیکه که در جای خودش باشد.^۱

* شباهت به یوشع (علیه السلام):

یوشع (علیه السلام): پس از وفات موسی (علیه السلام) منافقان امت آن حضرت با او جنگ کردند. قائم (علیه السلام) نیز، منافقان این امت با او جنگ خواهند کرد. یوشع (علیه السلام): خورشید برایش بازگشت. قائم (علیه السلام) نیز، با مهر و ماه سخن می گوید و آن ها را صدا می زند، و آن ها به او پاسخ می دهند - چنان که علامه مجلسی در بحار از حضرت امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: قائم (علیه السلام) سیصد و نه سال زمامداری می کند - همان قدر که اهل کهف در غارشان به سر بردند - زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد، پس خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح خواهد نمود، و مردم را خواهد کشت تا این که جز دین محمد (صلی الله علیه و آله) باقی نماند، شیوه سلیمان بن داوود را پیش خواهد گرفت و خورشید و ماه را صدا می زند و او را پاسخ می دهند، و زمین برای او نور دیده شود و به او وحی می آید که به امر خداوند به وحی عمل می کند.^۲

۱- روضه کافی، ۲۴۰.

۲- بحار الانوار: ۲۹۰/۵۲.

*** شباهت به داوود (علیه السلام):**

داوود (علیه السلام) را، خداوند - عزوجل - در زمین خلیفه ساخت و فرمود: (یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ)^۱؛ ای داوود ما تو را در زمین خلافت دادیم. قائم (علیه السلام) را نیز، خداوند خلیفه خود در زمین نمود و فرمود: (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ)^۲؛ آیا چه کسی [جز خداوند] دعای مضطر را به اجابت می رساند، و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد. و در دعایی از حضرت امام رضا (علیه السلام) چنین آمده است: «ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ ...»^۳.

داوود (علیه السلام)؛ خداوند آهن را برایش نرم کرد که در قرآن آمده: (وَ الْأَنْثَا لَهُ الْحَدِيدُ)^۴؛ آهن را برایش نرم ساختیم. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند آهن را برایش نرم کرده است، چنان که در بعضی از کتاب ها از محمد بن زید کوفی از امام صادق (علیه السلام) مروی است که فرمود: مردی از عمان به خدمت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) می آید و عرض می کند: آهن برای داوود نرم شد اگر تو هم مانند او [معجزه] بیاوری تصدیقت می کنیم. پس آن حضرت معجزه داوود را به او نشان می دهد، ولی آن شخص منکر می شود، قائم - عجل الله فرجه الشریف - عمود آهنینی به گردن او می اندازد که هلاک می شود و می فرماید: این سزای کسی است که آیات خدا را دروغ انگارد.

داوود (علیه السلام)؛ سنگ با او سخن گفت و صدا زد: ای داوود! مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان. قائم (علیه السلام) نیز، علم و شمشیرش او را صدا می کنند و می گویند: ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.

۱- سوره ص، آیه ۱۷ .

۲- سوره نمل، آیه ۶۲ .

۳- البلد الامین: ۸۱ .

۴- سوره سبا، آیه ۱۰ .

شبهت به سلیمان (علیه السلام):

سلیمان (علیه السلام)؛ داوود او را جانشین و خلیفه خود قرار داد در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، که در حدیثی از امام نهم حضرت جواد (علیه السلام) آمده که فرمود: خداوند تبارک و تعالی به داوود وحی فرمود که سلیمان را خلیفه خود سازد، در حالی که کودک بود و چوپانی گوسفندان می کرد. عباد و علمای بنی اسرائیل این مطلب را انکار کردند، پس خداوند تعالی وحی فرمود: عصاهای آن افراد را بگیر و عصای سلیمان را نیز بگیر و آن ها را در اتاق بگذار و در آن اتاق را به مهر خودشان مهر کن، و چون فردا شود عصای هر کس برگ برآورده و میوه داده بود او خلیفه است، پس داوود این مطلب را به آن ها خبر داد، گفتند: ما راضی و تسلیم شدیم.^۱ قائم (علیه السلام) را خداوند - عزوجل - خلیفه قرار داد و حال آن که کودکی تقریباً پنج ساله بود، و در زمان حیات پدرش به سنوالات سعد بن عبدالله قمی پاسخ گفت - چنان که گذشت - .

سلیمان (علیه السلام) گفت: (هَبْ لِي مَلِكًا لَا يَتَّبِعِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي)^۲؛ پروردگارا! به من ملکی عنایت کن که برای هیچ کس بعد از من شایسته نباشد. از نظر کیفیت و چگونگی، چه این که سلاطین جهان - همان طور که متعارف است حکومتشان آمیخته به جور و فساد است، ولی سلیمان می خواست حکومتش آن طور نباشد، و نیز سلطنت و حکومت پادشاهان و امرای زمین تنها بر انسان ها است ولی حکومت سلیمان بر جن و انس و پرنندگان بود. خداوند - عزوجل - می فرماید: (وَ حُسْرًا لِّسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ)^۳؛ و لشکریان سلیمان از جن و انس و پرنندگان برایش گرد آمدند. قائم (علیه السلام)؛ خداوند متعال ملک و حکومتی به او عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین - از نظر کمیت و کیفیت - مانندش نبوده. اما کمیت: برای این که آن حضرت شرق و غرب را می گیرد - چنان که در حدیث آمده - و اما کیفیت: برای

۱- کمال الدین: ۱/۱۵۶ .

۲- سوره ص، آیه ۳۵ .

۳- سوره نمل، آیه ۱۷ .

این که محض عدالت و عدالت خالص است، و چون که حکومتش تمام اهل آسمان ها و زمین ها را شامل می گردد، - چنان که گذشت -

سلیمان (علیه السلام)؛ خداوند باد را در تسخیر او قرار داده بود، خدای - عزوجل - می فرماید: (فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِبًا مِّنْ رُّعَاءِ حَيْثُ أَصَابَ)؛ پس باد را به تسخیر او در آوردیم تا به نرمی هر کجا خواهد به فرمان او جریان یابد. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند باد را در خدمتش قرار می دهد، چنان که در حدیثی که در کمال الدین روایت شده امام صادق (علیه السلام) فرموده: پس خداوند تبارک و تعالی بادی برانگیزد که در هر بیابان ندا کند: این مهدی است که به قضاوت داوود و سلیمان (علیهما السلام) قضاوت می کند و بینه نمی خواهد.^۲

سلیمان (علیه السلام)؛ مدتی از قومش غایب شد، چنان که رئیس المحدثین شیخ صدوق در کتاب کمال الدین ضمن حدیثی روایت کرده است. قائم (علیه السلام)، غیبتش طولانی تر از سلیمان است.

سلیمان (علیه السلام)؛ آفتاب برایش بازگشت. قائم (علیه السلام)، آفتاب و ماه را می خواند و آن ها او را پاسخ می دهند.

سلیمان (علیه السلام) حشمة الله بوده، قائم (علیه السلام) نیز حشمة الله است.

*** شباهت به آصف (علیه السلام):**

آصف (علیه السلام) علمی از کتاب را داشت. قائم (علیه السلام) علوم کتاب نزدش هست.

آصف (علیه السلام)؛ خداوند او را مدتی طولانی از قومش غایب کرد، چنان که در کمال الدین مروی است. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند متعال او را مدتی طولانی از نظرها غایب ساخته است.

آصف (علیه السلام)، با غیبتش ابتلا و گرفتاری بنی اسرائیل سخت و شدید شد. قائم (علیه السلام) نیز، - چنان که گذشت - با غیبتش گرفتاری و ابتلای مومنین شدت یافته است.

۱- سوره ص، آیه ۴۶ .

۲- کمال الدین، ۲/ ۶۷۱ .

*** شباهت به دانیال (علیه السلام):**

دانیال (علیه السلام) از بنی اسرائیل مدتی غایب بود، و در چاهی بزرگ او را با شیری درنده زندانی کرده بودند تا آن شیر او را طعمه خود سازد، پس خداوند تعالی او را حفظ کرد و به یکی از پیغمبران بنی اسرائیل دستور داد که غذا و آبش را ببرد، و گرفتاری پیروان و شیعیانش شدید شد. قائم (علیه السلام) از نظر ما غایب مانده و با غیبتش گرفتاری ما بسیار شده.

*** شباهت به عزیر (علیه السلام):**

عزیر (علیه السلام)؛ وقتی به سوی قومش بازگشت و در میان آن ها ظاهر شد تورات را آن طور که بر موسی بن عمران (علیهما السلام) نازل شده بود خواند. قائم (علیه السلام)، هنگامی که ظاهر شود برای اهل زمین قرآن را آن چنان که بر حضرت خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) نازل شده، خواهد خواند.

*** شباهت به جرجیس (علیه السلام):**

جرجیس (علیه السلام)، خداوند مردگانی را به دعایش زنده کرد، چنان که در بحار آمده: زنی به خدمتش آمد و گفت: ای بنده صالح! گاوی داشتیم که با آن امرار معاش می کردیم. آن مرده است. جرجیس به او گفت: این عصا را بگیر و آن را بر گاوت بزن و بگو که جرجیس می گوید: به اذن خداوند برخیز. پس چون آن زن این کار را کرد؛ آن گاو زنده شد و آن زن به خداوند ایمان آورد.^۱ قائم (علیه السلام) نیز، خداوند متعال مردگان را به دعایش زنده خواهد کرد.

*** شباهت به ایوب (علیه السلام):**

ایوب (علیه السلام)، هفت سال بر بلا صبر کرد- چنان که از حضرت ابی عبدالله صادق (علیه السلام) روایت شده-^۲ خداوند متعال می فرماید: (إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ)^۳؛ همانا ما او را صبر کننده یافتیم، خوب بنده ای است. بسیار

۱- بحار الانوار، ۴۴۷/۱۴.

۲- بحار الانوار: ۳۴۷/۱۲.

۳- سوره ص، آیه ۴۴.

توجه کننده به سوی خدا. قائم (علیه السلام)، از هنگام وفات پدرش تاکنون صبر کرده، و نمی داند تا کی این صبر ادامه خواهد داشت!!

ایوب (علیه السلام)؛ یک یا دو چشمه از زمین برایش جوشید، خداوند متعال می فرماید: (أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسِلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ)^۱؛ پای خود را محکم بر زمین بزن که این چشمه آبی برای شستشو و نوشیدن است. قائم (علیه السلام) نیز، برایش چشمه از زمین جوشیده است، که بعضی از روایات و حکایات در این باره گذشت.

ایوب (علیه السلام)؛ خداوند - عزوجل - مردگانی را برایش زنده کرد، خداوند چنین فرموده: (وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ نِكَرَى لِلْعَابِدِينَ)^۲؛ و خاندانش را باز آوردیم و همانندشان را با آن ها به او دادیم، رحمتی از سوی ما و یادآوری برای عبادت کنندگان. قائم (علیه السلام) نیز، خداوند مردگانی را برایش زنده می کند. در این باره مطالبی گذشت.

* شباهت به یونس (علیه السلام):

شیخ صدوق (رحمه الله) به سند خود از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: بر حضرت ابوجعفر محمد بن علی باقر (علیه السلام) وارد شدم می خواستم از قائم آل محمد (علیهم السلام) از آن حضرت سؤال کنم که خود، آغاز سخن کرد و فرمود: ای محمد بن مسلم! به درستی که در قائم آل محمد (علیهم السلام) از پنج پیغمبر شباهت هست: یونس بن متی، و یوسف بن یعقوب، و موسی و عیسی و محمد - صلوات الله علیهم - . اما شباهت از یونس بن متی این که پس از غیبت، در قیافه جوانی در سن پیری به سوی قومش بازگشت.^۳

۱- سوره ص، آیه ۴۴ .

۲- سوره انبیاء، آیه ۸۴ .

۳- کمال الدین: ۲۲۷/۱ .

*** شباهت به زکریا (علیه السلام):**

زکریا (علیه السلام)؛ فرشتگان او را ندا کردند در حالی که به نماز ایستاده بود. قائم (علیه السلام) نیز. خداوند او را مورد خطاب قرار داد، همچنین فرشتگان در هر شب قدر او را ندا می کنند، و جبرئیل هم هنگامی که با آن حضرت بیعت می کند، دست بر دست آن حضرت می نهد و می گوید: بیعت برای خدا.

زکریا (علیه السلام)؛ در مصیبت حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) سه روز گریه کرد، چنان که در خبر احمد بن اسحاق در بخش دوم گذشت. قائم (علیه السلام) نیز، تمام عمر و در همه زمانش بر آن حضرت می گرید، چنان که در زیارت ناحیه آمده: «لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأُبْكِينَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا»؛ شب و روز بر تو ندبه می کنم و به جای اشک بر تو خون می گریم.

*** شباهت به یحیی (علیه السلام):**

یحیی (علیه السلام)؛ پیش از ولادت به او بشارت و مژده داده شد. قائم (علیه السلام) نیز، بشارت و مژده اش پیش از ولادت داده شد.

یحیی (علیه السلام)، در شکم مادر سخن گفت، چنان که در حدیث از امام عسکری (علیه السلام) آمده که فرمود: روزی مریم بر مادر یحیی - همسر زکریا - وارد شد، ولی او برایش برنخاست، یحیی [در شکم مادر] ندا کرد: بهترین زنان عالم در حالی که بهترین مردان جهان را با خود دارد بر تو وارد می شود برایش بر نمی خیزی؟ پس مادرش متنبه شده، از جای برخاست.^۱

قائم (علیه السلام) نیز، - چنان که در روایت حکمیه آمده - در شکم مادر سخن گفت و سوره قدر را قرائت کرد.^۲

یحیی (علیه السلام)؛ زاهدترین و عابدترین مردم زمانش بود. قائم (علیه السلام) نیز، عابدترین و زاهدترین مردم زمانش می باشد.

۱- بحارالانوار: ۳۲۰/۱۰۱.

۲- بحارالانوار: ۱۸۷/۱۴.

۳- کمال الدین: ۴۲۸/۲.

*** شباهت به عیسی (علیه السلام):**

عیسی (علیه السلام)؛ فرزند بهترین زنان زمانش می باشد. قائم (علیه السلام) نیز، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.
عیسی (علیه السلام)؛ در شکم مادر تکلم کرده، تسبیح می گفت، چنان که فاضل مجلسی در حاشیه مجلد پنجم بحار از ثلعبی از طریقه عامه روایت کرده است. قائم (علیه السلام) نیز، - چنان که گذشت - در شکم مادر سخن گفته است.

*** شباهت به خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله):**

سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می باشد که فرمود: مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من، و کنیه اش کنیه من، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است

فصل دوم : شباهت به ائمه معصومین علیهم صلوات الله

نظر به این که بیان کردن هر یک از این ویژگی ها و صفات و احوال و معجزات پدران پاک آن حضرت و تطبیق آن ها با صفات و حالات و معجزات آن جناب، شرحی طولانی و میدان وسیعی می خواهد، به ناچار در ذکر هر یک از امامان (علیهم السلام) به آشکارترین و مشهورترین اوصاف اکتفا می کنیم:

*** شباهت به امام امیرالمومنین (علیه السلام):**

اظهر صفاتش علم و زهد و شجاعت می باشد، و تمام آن ها در حضرت قائم (علیه السلام) نمودار است.

*** شباهت به امام حسن (علیه السلام):**

بارزترین صفاتش حلم و بردباری است، و از جمله آثار این صفت: سکون و آرامش داشتن و سبکسری نکردن در مواقعی است که شخص از دیگران نارواها ببیند.

و اگر در ناراحتی ها و ابتلاهای شدید مولا حضرت حجت -صلوات الله علیه- از دست رعیتش تامل کنی، حلم و بردباری آن بزرگوار برایت روشن می شود، به طوری که از احدی به این کیفیت، این صفت ظاهر نگردیده است.

*** شباهت به امام حسین (علیه السلام):**

شباهت به آن حضرت در فصل آینده خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

*** شباهت به حضرت علی بن الحسین (علیه السلام):**

بارزترین صفاتش عبادت می باشد که به «زین العابدین» و «سید العابدین» و «ذو الثفنات» نامیده شد، وجه نامیده شدنش به «ذو الثفنات» این بود که بینی آن حضرت ساییده، و پیشانی و زانوها و کف دست هایش از اثر عبادت مداوم برآمدگی پیدا کرده بود (پینه بسته بود)، چنان که در خبری از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) از فاطمه بنت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) آمده که از یکی از کنیزان امام سجاد (علیه السلام) راجع به حالات آن حضرت پرسید، در جواب گفت: مختصر کنم یا مفصل بگویم؟ گفت: مختصر کن، گفت: هیچ گاه در روز برایش غذا نبرده و در شب رختخواب نگستردم.^۱

و اخبار بسیاری که درباره کثرت و شدت اهتمام آن حضرت در عبادت وارد شده است و مولای ما حضرت حجت -عجل الله فرجه الشریف- از جد بزرگوارش سیدالعابدین (علیه السلام) الگوی خوبی دارد، که از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) آمده، در وصف حضرت قائم -روحی فداه- فرمود: با آن چهره گندمگون، زردی بی خوابی شب نیز آمیخته است، پدرم فدای آن کس که شبش را در حال سجود و رکوع و ستاره شماری (کنایه از بیداری) خواهد گذراند^۲

۱- بحارالانوار: ۶۲/۴۶ .

۲- بحارالانوار: ۸۱/۸۶ .

*** شباهت به حضرت ابوجعفر محمد بن علی باقر (علیه السلام):**

بارزترین صفاتش، شباهت به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. لذا جابر انصاری هنگامی که نگاهش به آن حضرت افتاد گفت: به پروردگار کعبه قسم شمائل پیغمبر است. - چنان که در چند روایت از او نقل شده -^۱ با این که جابر پیش از امام باقر، حسن و حسین و علی بن الحسین (علیهم السلام) را دیده، ولی چنین سخنی درباره آن ها نگفته بود، مولای ما حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) نیز شبیه به پیغمبر است بلکه شباهتش به پیغمبر بیشتر و کامل تر می باشد. به دلیل روایات بسیاری از طرق خاصه و عامه از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در وصف امام قائم - عجل الله فرجه الشریف - نقل شده که آن حضرت فرمود: شبیه ترین مردم به من است در شمائل و اقوال و افعالش. که مقداری از این روایات در حرف «ج» گذشت.

*** شباهت به حضرت ابوعبدالله صادق (علیه السلام):**

بارزترین صفاتش، کشف علوم و بیان احکام برای مردم بود به طوری که برای امامان پیش از آن حضرت این امر میسر نشد، یکی از اهل حدیث گفته: چهار هزار نفر از افراد مورد اعتماد از آن حضرت روایت کرده اند.^۲ می گویم: با این حال تمام علوم که نزد آن حضرت بود کشف نشده و برای ظهور قائم (علیه السلام) به تاخیر افتاده که آن حضرت تمام احکام را بیان خواهد ساخت و آنچه گذشتگان از امامان و پیغمبران اهلیت و شایستگی آن را در مردم ندیدند فاش خواهد کرد. امیرالمومنین (علیه السلام) گاهی به سینه خود اشاره می کرد و می فرمود: «إِنَّ هَيْهُنَا لَعِلْمًا عِلْمًا جَمًّا لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً...»؛ در این جا علم بسیاری هست اگر برای آن حاملانی بیابم ... و در کشف علوم شاهد این معنی خواهد آمد ان شاء الله تعالی.

۱- بحار الانوار: ۲۲۳/۴۶ .

۲- مناقب ابن شریک: ۳۷۲/۳ .

*** شباهت به حضرت ابوابراهیم موسی بن جعفر (علیه السلام):**

آن حضرت (علیه السلام) دچار تقیه و شدت ترس از دشمنان بود - بیش از آنچه پدران گرامی اش بدان دچار بودند - و این مطلب برای کسی که در احوال زندگی آن حضرت دقت کند واضح است. مولای ما حضرت قائم (علیه السلام) نیز همین طور است، - چنان که در حرف «خ» به آن اشاره شد -.

*** شباهت به حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام):**

خداوند ریاست و مقام ظاهری را برای آن حضرت قرار داد به طوری که برای پدران طاهرینش واقع نشده بود، و تقیه و ترس در زمان آن حضرت تا حدودی برداشته شد، قائم (علیه السلام) نیز خداوند متعال ترسش را به امنیت بدل خواهد ساخت و او را در زمین اقتدار و تسلطی خواهد داد که برای احدی از پیشینیان میسر نشده است، و غلبه آن حضرت بر تمام جهان مانند غلبه سلطان روز است بر سلطان شب تار.

علی بن ابراهیم به سند صحیحی از حضرت ابوجعفر باقر (علیه السلام) درباره آیه: (وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى)؛ سوگند به روز آن گاه که تجلی نماید. آورده که فرمود: «روز» همان قائم ما اهل البیت است که هر گاه بپاخیزد، بر دولت باطل پیروز می شود^۲

*** شباهت به حضرت ابوجعفر محمد بن علی تقی (علیه السلام):**

وقتی امامت به آن حضرت رسید که به سن مردان نرسیده و عمرش از هشت بهار نگذشته بود، حضرت حجت (علیه السلام) نیز همین طور بود، که در سنین طفولیت لوای امامت را به دست گرفت.

۱- سوره لیل، آیه ۴ .

۲- تفسیر القمی: ۴۲۵/۲ .

*** شباهت به حضرت ابوالحسن علی بن محمد هادی (علیه السلام):**
هیبتی داشته که نظیر آن را احدی نداشته به طوری که دشمنان آن حضرت احترام ها و تعظیم هایی برای آن جناب انجام می دادند که برای هیچ کس آن احترام ها را انجام نمی دادند، که این امر بر اثر هیبت آن حضرت بود نه از روی محبت و علاقه به آن بزرگوار، قائم (علیه السلام) نیز همین طور است که - به ویژه در دل دشمنان - هیبت و رعب خاصی دارد.

*** شباهت به حضرت ابو محمد امام حسن عسکری (علیه السلام):**
آن حضرت (علیه السلام) نیز، همین صفت را داشته است که بجا است این بحث را با بیان روایت شریفی که در مجلد دوازدهم بحار آمده به پایان بریم.
مرحوم مجلسی (رحمه الله) به سند خود آورده که: عباسیان و صالح بن علی و گروهی از منحرفین از مسیر اهل بیت (علیهم السلام) بر صالح بن وصیف، هنگامی که امام حسن عسکری (علیه السلام) نزد او زندانی بود بر او وارد شدند و به او گفتند: بر آن حضرت سخت بگیر و در وضع او رفاه و آسایشی فراهم مکن. در جواب گفت: با او چکار کنم در حالی که از بدترین افرادی که توانسته ام بر او گماشته ام ولی آنان در نماز و عبادت به جایگاه بلندی رسیده اند. سپس آن دو نفر گماشته را احضار کرد و به آن ها گفت: وای بر شما! درباره این شخص چه فکر می کنید؟ گفتند: چه بگوییم درباره مردی که روزش را روزه دار و شبش به عبادت می گذرد، نه سخن می گوید و نه غیر عبادت به کاری مشغول می شود، هر گاه به ما نظری بیفکند لرزه بر اندام ما افتد، و به طوری هیبت او در دلمان واقع شود که خودداری نتوانیم کرد. هنگامی که عباسیان این گفتار را شنیدند با خواری و سرافکنندگی رفتند.^۱

رسول اکرم (ص) فرمودند:

- « هر کس با دوستی آل محمد بمیرد شهید مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد آمرزیده شده مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد توبه کننده مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد مومنی که دارای ایمان کاملی است مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد ملک الموت و بعد از او منکر و نکیر او را به بهشت بشارت دهند.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد آرایش داده می شود مانند عروسی که آرایش داده شده به خانه شوهرش می رود او را به سوی بهشت می برند.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد، دربی از سوی بهشت به قبرش گشوده می شود.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد خداوند متعال قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت قرار می دهد.
- « آگاه باشید: هر کس با دوستی آل محمد بمیرد بر روش سنت پیامبر و جماعت مسلمانان مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد در روز قیامت محشور می شود در حالیکه میان دو چشمش نوشته شده از رحمت خدا محروم است
- « آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد کافر مرده است.
- « آگاه باشید: هر کس با دشمنی آل محمد بمیرد بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید.
- آورده‌ها: الزمخشری فی الکشاف، و الفخر الرازی فی التفسیر الکبیر، و القرطبی فی تفسیر الجامع لاحکام القرآن.

تألیفات مؤلف

شماره	عنوان	شماره	عنوان
۱	فضیلت زیارت حضرت امام حسین (ع)	۲۶	شکر گزاری
۲	فضیلت زیارت حضرت امام هشتم (ع)	۲۷	صبر
۳	فضیلت علم	۲۸	اسراف یا اعتدال
۴	کریمه اهل بیت (ع)	۲۹	حجاب و حیا
۵	شمه ای از وظایف همسران نسبت به یکدیگر	۳۰	کم خوری
۶	غیبت	۳۱	ربا در اسلام
۷	قندنامه	۳۲	ضیافت ، مهمان نوازی در اسلام
۸	حرمت موسیقی	۳۳	سکوت
۹	نماز	۳۴	آداب غذا خوردن در اسلام
۱۰	سیاه دانه	۳۵	۵ میوه شفا بخش (جلد ۱) :
۱۱	ولیعصر (عج) در خطبه غدیر	۳۶	۵ میوه شفا بخش (جلد ۲) :
۱۲	فضیلت صلوات	۳۷	قرض الحسنه
۱۳	دعا	۳۸	دروغ - کلید پلیدیها
۱۴	چهل حدیث نبوی (ص) چهل حکمت علوی (ع)	۳۹	امانت یا خیانت
۱۵	حضرت علی (ع) به روایت اهل سنت	۴۰	تواضع و فروتنی
۱۶	حضرت زهرا (س) به روایت اهل سنت	۴۱	حرمت شراب در اسلام
۱۷	حضرت امام حسن مجتبی (ع) به روایت اهل سنت	۴۲	حق همسایه
۱۸	حضرت امام حسین (ع) به روایت اهل سنت	۴۳	قناعت
۱۹	سخنان گهربار امام زمان (عج ...)	۴۴	شیطان در لسان قرآن و روایات
۲۰	شفاعت چیست ؟ شفیع کیست ؟	۴۵	مردم آخر الزمان
۲۱	حضرت ابوطالب مؤمن و سرور قریش به روایت اهل سنت	۴۶	مردان و زنان آخر الزمان
۲۲	دوستیابی - دوستی با مردم دانا نکوست	۴۷	آموزه های آمیزشی در اسلام
۲۳	چهل حدیث در فضیلت سنت ازدواج	۴۸	حقوق والدین
۲۴	اخلاق پسندیده	۴۹	مضرات طلاق
۲۵	حضرت مهدی (عج..) در سیمای انبیاء	۵۰	روزه